

مصادره غیر مستقیم اموال سرمایه‌گذار خارجی در پرتو مسائل زیست محیطی با تاکید بر منفعت
اساسی دولت

علی دلداری^۱ - محمود جلالی^۲ - لیلا رئیسی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱

چکیده:

مصادره و سلب مالکیت، به عنوان بزرگترین تهدید فراروی سرمایه گذاری خارجی، مدت‌ها محل بحث بوده است. در حال حاضر حقوق بین‌الملل عرفی دولت میزبان را از مصادره اموال سرمایه‌گذار خارجی منع نکرده است اما آن را مشروط به شرایطی نموده. شرایط چهارگانه‌ای که عموماً به عنوان شرایط مصادره مشروع از آنها یاد می‌شود عبارتند از: منفعت عمومی، پرداخت غرامت، قانونگذاری و عدم تبعیض. حق مصادره دولت میزبان، نگرانی‌هایی را برای سرمایه‌گذار در پی داشته که هر لحظه ممکن است سرمایه آنها مصادره شود، زیرا اصطلاح منفعت عمومی را دولتها موسع تفسیر خواهند کرد. در این مقاله از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده و در صدد یافتن پاسخ این است که: ۱- آیا اقداماتی که توسط دولت میزبان با هدف حفاظت از محیط‌زیست و حمایت از منافع کشور اتخاذ می‌گردد و در نتیجه روند سرمایه‌گذاری تأثیرگذار است، به مثابه مصادره غیرمستقیم تلقی می‌شود؟ ۲- تشخیص بین منفعت کشور میزبان در حفاظت از محیط‌زیست و منفعت و محرومیت سرمایه‌گذار از اموال چگونه است؟ فرض بنیادین مقاله حاضر این است که، در چارچوب منافع اساسی دولت میزبان، محدودیت و محرومیت منجر به مصادره اموال سرمایه‌گذار خارجی نمی‌شود؛ و سعی شده است ابعاد منفعت اساسی دولت میزبان و محدودیت اساسی سرمایه‌گذار تجزیه و تحلیل شود که، هدف جلوگیری از تفسیر موسع دول میزبان از منفعت اساسی و گسترش سرمایه‌گذاری خارجی است.

واژگان کلیدی: منفعت عمومی، سلب مالکیت، سرمایه‌گذاری خارجی، مصادره غیر مستقیم

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
a.deldar1349@yahoo.com

^۲ - دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: (نویسنده مسئول)
m.jalali@ase.ui.ac.ir

^۳ - دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Raisi.leila@gmail.com

۱. مقدمه

مفاهیم و آرمانهای صلح و حقوق بشر مفاهیم و ارزش‌هایی نیستند که در دو دهه اخیر در جامعه جهانی پدیدار گشته و مورد توجه قرار گیرند. حقوقی چون "حق برخورداری از صلح"^۱، "حق برخورداری از محیط زیست سالم"^۲ و "حق توسعه"^۳ از جمله حقوقی هستند که در هیچ یک از دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفت اشاره نشده است. حقوق ذکر شده از جمله حقوق بشر نسل سوم که در دهه اخیر شکل گرفته و در حال توسعه هستند. این حقوق به طور مستقل شکل گرفته و بر خلاف دو نسل دیگر حقوق بشر که به طور مستقیم به حقوق افراد مربوط می‌شوند، نسل سوم حقوق بشر دسته جمعی^۴ را در بر می‌گیرند.

رعایت حقوق بشر و احترام به این حقوق تابع زمان، مکان و یا شرایط خاصی نمی‌باشند. در واقع یک اصل کلی حقوق بشر بایستی در هر زمان و مکان و در همه شرایط رعایت شوند. تنها استثناء وارد شده به این اصل کلی وقوع وضعیت اضطراری است که شرایط خاصی برای تحقق آن وجود دارد. در همین رابطه بند ۱ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که: "در زمان وضعیت اضطراری عمومی، که حیات یک ملت به خطر می‌افتد، وضعیتی که وجود آن به طور رسمی اعلام شده است دولت‌های عضو این میثاق ممکن است اقداماتی را اتخاذ نمایند که از انجام تعهداتشان به موجب این میثاق خودداری نمایند تا حدی که به موجب شرایط اضطراری این وضعیت لازم باشد مشروط بر آنکه چنین اقداماتی با تعهدات دیگر آنها به موجب حقوق بین‌الملل در تعارض نباشند؛ و منجر به تبعیض صرفاً بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و یا ریشه اجتماعی نمی‌گردند".

به همین دلیل دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گایچیکو - ناگی ماروس به چند واقعیت مهم در خصوص محیط زیست به عنوان اصل ضرورت^۵، اشاره دارد. اول اینکه؛ دیوان در این قضیه صدمه به محیط زیست را مصداق "صدمه جدی به منافع اساسی"^۶ مذکور در

^۱ - Right to peace

^۲ - Right to a healthy environment

^۳ - Right to development

^۴ - Collective Human Rights

^۵ - Necessity

^۶ - Seriously impair an essential interest

ماده ۲۵ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها دانست^۱، و به مجارستان این حق را داد تا موافقت-نامه سرمایه‌گذاری مشترک با اسلواکی را به جهت حمایت از محیط زیست، به طور یک جانبه فسخ نماید. (Stephans, 2009.22) دوم اینکه؛ دیوان قواعد جدید حقوق بین‌الملل محیط زیست را عطف بامسابق می‌کند و در موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری میان مجارستان و اسلواکی قابل اعمال می‌داند. در این قضیه بیان می‌دارد: "بشر در طول سالها به دلایل اقتصادی و غیره در طبیعت دخالت کرده است. در گذشته این اتفاق معمولاً بدون اثری بر محیط‌زیست صورت می‌گرفت ... در سال‌های اخیر، هنجارهایی شکل گرفته است که نه تنها بر فعالیت‌های جدیدی که دولت‌ها در نظر دارند اعمال می‌شود، بلکه در خصوص فعالیت‌هایی که در گذشته آغاز شده است اما هنوز ادامه دارند نیز اعمال می‌شود؛ و این نیاز وجود دارد که میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست آشتی برقرار شود^۲ هر چند دیوان در این بخش به نوعی به اصل "توسعه پایدار" اشاره می‌کند، در حال حاضر نمی‌توان گفت این اصل در حقوق بین‌الملل، جنبه عرفی پیدا کرده است. (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۹۶: ۱۹۹)

پس حق بشر در برخورداری از صلح، ارتباط تنگاتنگی با دیگر حقوق بشر از جمله حقوق مالکیت و حقوق محیط زیست دارد. لذا در مقاله حاضر تلاش بر این است که با بررسی و تشخیص منفعت اساسی دولت میزبان، مصادره اموال سرمایه‌گذار خارجی جهت‌دار شود و دولت میزبان به هر بهانه‌ای به منافع اساسی استناد ننمایند؛ و معیار منفعت اساسی و مرجع تشخیص منفعت مشخص شود؛ به این امید که این نوشتار راهکاری برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی باشد. برای رسیدن به این هدف پاسخ به سوالات مطرح شده ضروری به نظر می‌رسد؛ برای رسیدن به پاسخ سوالات مطرح شده، باید اصول حاکم بر محیط‌زیست، نقش دولتها و سازمانهای بین‌المللی در حفاظت از زیست‌محیطی، منفعت اساسی و رویه قضایی را بررسی می‌کنیم.

۲. اصول حاکم محیط زیست

اولین بار در کنفرانس دریای شمال در سال ۱۹۸۴ میلادی مطرح شد. اساس و مفهوم اصل اقدامات احتیاطی در اصل ۱۵ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ میلادی منعکس شده است. این اصل

^۱ - ماده ۲۵: "دولت نمی‌تواند برای توجیه متخلفانه بودن فعل مغایر تعهد بین‌المللی خویش به ضرورت استناد کند مگر آنکه آن فعل: (الف) تنها راه برای حفاظت از منافع اساسی دولت در برابر خطر جدی و قریب الوقوع باشد؛ و...".

^۲ - ICJ Rep., The Case Concerning Gabcikovo-Nagymaros Project, 1997.

بیان می‌دارد که: "به منظور حفاظت از محیط زیست، رویکرد مبتنی بر اقدامات احتیاطی باید در سطح گسترده از سوی دولت‌ها در حد توانشان، به کار برده شود به گونه‌ای که در جایی که تهدید های جدی یا آسیب‌های جبران ناپذیری برای محیط زیست وجود دارد، فقدان اطمینان علمی کامل نباید به عنوان توجیهی جهت به تعویق انداختن اقدامات موثر و موجه از نظر اقتصادی در جهت پیشگیری از تخریب محیط زیست، مورد استفاده شود". بدین ترتیب دولت‌ها باید در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فعالیت‌هایی که ممکن است تاثیر نامطلوب بر محیط زیست بگذارد، با دقت و احتیاط و با پیش بینی‌های لازم اقدام کنند. (طلایی، ۱۳۸۴: ۷)

اصل دیگر اصل استفاده معقول، ارزیابی‌های زیست محیطی است.^۱ ارزیابی زیست‌محیطی به عنوان راه‌کار قانونی، بین‌المللی و ملی، عبارت است از ارزیابی تمام آثار احتمالی پروژه‌های توسعه‌ای بر محیط‌زیست و ارائه راه‌کارهایی برای کاهش آن آثار است. (طلایی و دریادل، ۱۳۹۴: ۲۹۰) در واقع ارزیابی زیست‌محیطی مشخص می‌کند که آیا طرح توسعه‌ای با مفهوم استفاده معقول و حفظ ویژگی بوم‌شناختی، سازگار است یا نه. این فرایند، معمولاً شامل توصیه‌هایی برای کاهش و رفع آثار سوء احتمالی چنین اقداماتی می‌شود. هدف از این امر، جلوگیری از اجرای پروژه‌های اقتصادی است که اگر چه به لحاظ اقتصادی متضمن منافع فوری یا کوتاه مدت است، به نظر می‌رسد از نظر زیست محیطی فاجعه بار باشد. (طلایی، ۱۳۹۴: ۲۹۰) در برخی موارد، این تأثیرات نامطلوب، بسیار دیر بروز می‌کند. بنابراین لازم است از قبل، نتایج زیست محیطی پروژه‌های اقتصادی بررسی شود. از آنجایی که ارزیابی زیست محیطی یکی از مناسب‌ترین معیارهای توسعه پایدار و مدیریت محیط‌زیست به شمار می‌رود، باید در قالب الزامات قانونی قرار گرفته و به اجرا در آید. (طلایی و دریادل، ۱۳۹۴: ۲۹۱)

اصل دیگر اصل "توسعه پایدار"^۲ است که، از سه جزء توسعه اقتصادی و اجتماعی و حمایت از محیط زیست در راستای این توسعه تشکیل می‌شود و زمانی می‌توان به توسعه پایدار دست یافت که در رابطه میان این اجزاء، تعادل وجود داشته باشد. (همان: ۲۸۹) به طوری که اصل ۴ اعلامیه ریو در مورد توسعه پایدار بیان می‌دارد: "به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حمایت از محیط زیست، جزء جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه است و نباید به طور مجزا از آن در نظر گرفته شود". در حال حاضر اگر چه در میان کشورها درک مشترکی نسبت به توسعه پایدار وجود

^۱ - Environmental Impact Assessments

^۲ - Sustainable development

دارد، ولی تعریف جامعی که پذیرفته همه کشورهای باشد و در همه کشورهای به یک صورت اجرا شود دیده نمی‌شود. (طلایی، ۱۳۷۵: ۲۷۷)

۱.۲. نقش دولتها در حفاظت از محیط زیست

حقوق سرمایه‌گذاری و حقوق محیط زیست^۱، یک رابطه تعارض در اهداف اما تلاقی در عمل دارند که، هدف یکی منفعت اقتصادی شخصی و هدف دیگر منافع بشری جمعی بوده است؛ اما قلمروی اجرای هر دو حقوق مربوط به یک محیط است. سرمایه‌گذاری خارجی به اندازه‌ای که برای اقتصاد دولتی منفعت دارد برای شهروندان و مردم بومی و محیط‌زیست منفعت ندارد. حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری کنونی از سرمایه‌گذاران حمایت به عمل می‌آورد نه از منافع ساکنین محل سرمایه‌گذاری. ورود کشورها به بازار رقابتی تجارت بین‌الملل و ارتقای سطح رفاه جامعه نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی است؛ سرمایه‌گذاری خارجی واجد فواید دیگری مانند افزایش تولید و صادرات، کاهش بیکاری و انتقال فناوری به داخل کشور است. در این راستا، کشورها برای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی قوانینی تصویب می‌کنند که هر چند سرمایه‌گذاران را تشویق به حضور در آن کشور می‌کند، از سوی دیگر، محیط زیست را در بلند مدت به نابودی می‌کشد و سرمایه‌گذاران خارجی نیز به این موضوع علاقه نشان می‌دهند. (میری‌لواسانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵) حال دولتها چگونه در حفظ محیط زیست ایفای نقش می‌نمایند؟

در مورد ساختار نظام حقوقی حفاظت از محیط زیست سه دیدگاه و رویکرد مطرح شده است. رویکرد اول، مبتنی بر نقش اساسی دولت در امر حفاظت از محیط زیست است (رویکرد دولت محور). بر این اساس، اجرای بسیاری از سیاست‌ها و قوانین و مقررات مربوط به تضمین این حق در ید انحصاری دولت است و از آنجا که امر حفاظت از محیط زیست دارای جنبه‌های عمومی و حاکمیتی است، نقش نهادها و سازمانهای اجرایی نیز در این زمینه قابل توجه است. نحوه اجرای سیاست‌های عمومی در این زمینه که معمولاً به عنوان تکلیف شهروندان و دولت

^۱ - OECD, "International Investment Agreements: A survey of Environmental, Labour and Anti-corruption Issues" (2008) International Investment Law: Understanding Concepts And Tracking Innovations, pp. 135-240; Richard Sandbroke, "FDI and Environment Lessons from the Mining Sector"(2002) Rapporteurs report from the OECD Global Forum on International Investment Conference, OECD, "Indirect Expropriation" And The "Right To Regulate" (2004) In International Investment Law.

از آنها یاد می‌گردد، ارتباط مستقیمی با تلقی دولتها و شهروندان از این تکلیف عمومی دارد. (مشهدی، ۱۳۹۵: ۶۱)

رویکرد دوم، حداقلی و مبتنی بر بدبینی به نهاد دولت بر امر حفاظت از محیط‌زیست استوار است. در این رویکرد دولتها نه تنها حافظان خوبی نیستند، بلکه حضور و نقش‌دهی به دولت در این زمینه به معنای تخریب و نابودی محیط‌زیست خواهد بود. در این رویکرد از دولت خواسته می‌شود که در امر حفاظت از محیط‌زیست مداخله‌ای ننماید و آن را به سایر بازیگران واگذار نماید (رویکرد بدون دولت)، این حالت تنها نقش نظارتی و حداقلی برای دولت قائل است. (مشهدی، ۱۳۹۵: ۶۲)

رویکرد سوم، مبتنی بر رویکرد همکاری گرایانه در امر حفاظت از محیط‌زیست است. در این رویکرد ضمن تعدیل دو نگاه پیش گفته از مشارکت بازیگران دولتی و غیر دولتی صحبت می‌شود. بر این بنیان "وظیفه عمومی حفاظت" به همکاری دولت و شهروندان در حفاظت از محیط‌زیست تعبیر می‌گردد. (مشهدی، ۱۳۹۵: ۶۲)

دولتها باید از طریق سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار یا کنفرانس‌های دیپلماتیک، قواعد، استانداردها، رویه‌ها و ضوابط توصیه شده منطقه‌ای و جهانی برای جلوگیری، کاهش و کنترل این نوع آلودگی ایجاد کنند و این قواعد، استانداردها، رویه‌ها و ضوابط باید هر از چند گاه بر حسب ضرورت دوباره بررسی گردند. (طلایی و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۸۱) همچنین دولتها به منظور کاهش اثرات زیان‌بار پسماندها و ... موظفاند قوانین داخلی خود را با تعهدات بین‌المللی و عرف‌های بین‌المللی در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست مطابق سازند و در زمینه اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از تولیدات پسماندها با یکدیگر همکاری نمایند. (همان)

در حمل و نقل فرامرزی پسماندها توسط اشخاص خصوصی، آنها موظفاند مقامات صاحب صلاح کشور متبوعشان را از طریق اسناد اطلاع‌رسانی از چنین حمل و نقلی آگاه سازند. بنابراین وظیفه حفظ محیط‌زیست و سلامت انسان‌ها تعهدی است که دولتها و اشخاص خصوصی باید با مشارکت یکدیگر رعایت کنند و اصول سازگار با محیط‌زیست را در حمل و نقل فرامرزی پسماندها به کار گیرند؛ پس دولتها باید در قوانین اساسی خود به مفاهیم زیست‌محیطی تاکید فراوان داشته باشند. (طلایی و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۷۵)

۲.۲. قوانین اساسی کشورها در حفاظت از محیط زیست

بروز برخی تحولات در رهیافت‌های زیست محیطی - حقوق بشری در داخل بعضی از کشورها موجب تحولاتی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. روشن است که تحولات بین‌المللی نیز به طور متقابل بر سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات در داخل بسیاری از کشورها موثر بوده است. البته تعیین حدود این تاثیر بسیار دشوار است. علاوه بر این، قانون اساسی هر کشور به راحتی و در بازه‌های زمانی کوتاه، قابل تغییر نیست که بتوان تاثیرهای ایجاد شده را مشاهده کرد. با در نظر داشتن این ملاحظات، در اینجا فقط به قانون اساسی که مفاد حقوق بشری و زیست محیطی دارند، اشاره‌ای کوتاه می‌شود.

طبق قانون اساسی پرتغال، هرکس از حق داشتن یک محیط زیست سالم و به لحاظ بوم شناسی متوازن، برخوردار بوده و موظف به دفاع از آن است. (قانون اساسی پرتغال، ماده ۶۶) طبق قانون اساسی اسپانیا، هر انسانی حق برخورداری از محیط زیست مناسب برای توسعه شخصی و وظیفه حفظ آن را دارد. (قانون اساسی اسپانیا، ماده ۴۵) بر اساس قانون اساسی برزیل، هرکس حق داشتن یک محیط زیست متوازن اکولوژیکی را دارد که ذخیره استفاده مشترک از یک زندگی سالم است و دولت و جامعه وظیفه دارند که از آن برای نسل‌های فعلی و آینده حفاظت کنند. (قانون اساسی برزیل، ماده ۲۲۵) طبق قانون اساسی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. (قانون اساسی ایران، ماده ۵۰)

مطالعه و مقایسه قوانین اساسی کشورها در مورد موضوع این نوشتار، نشان می‌دهد که در قوانین اساسی ترکیه، هند، آفریقای جنوبی و اتحادیه اروپا اشاره‌های قوی به محیط زیست وجود دارد. بسیاری از قوانین اساسی، مانند قوانین کشورهای هند، کره جنوبی و اتحادیه اروپا، مسئولیت حفاظتی را بر عهده دولت می‌گذارد، بدون آنکه حقی زیست محیطی برای افراد قائل باشند. قوانین اساسی اسپانیا، ترکیه، روسیه و آفریقای جنوبی به نوعی به حق داشتن محیط زیست کیفی معتقدند که البته میزان و حدود آن بستگی به تفسیر قوانین اساسی آنها دارد.

۲.۳. نقش سازمان‌های بین‌المللی در حفاظت از محیط‌زیست

سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با محیط‌زیست از دهه ۱۹۶۰ میلادی فعالیت نمودند. این دهه مصادف با دورانی بود که مهمترین حوادث زیست‌محیطی در دوران معاصر رخ دادند. حوادثی که اثرات زیانبار آنها قابل مقایسه با گذشته نبود. در نتیجه وقوع این حوادث زیست-محیطی، لازم گردید تا سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت حمایت از محیط‌زیست وارد عمل گردند. برای نمونه اتحادیه آفریقا در سال ۱۹۶۸ میلادی "کنوانسیون آفریقای حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی"^۱ را به تصویب رساند. همچنین شورای اروپا در همین سال دو سند را تحت عنوان "اعلامیه‌ای در جهت مبارزه با آلودگی هوا"^۲، "منشور اروپایی آب"^۳ و موافقتنامه‌ای در "زمینه محدود کردن استفاده از برخی پاک‌کننده‌ها در شستشو و تمیز کردن محصولات"^۴ تصویب نمود. این روند تصویب "اعلامیه استکهلم" در سال ۱۹۷۲ میلادی^۵ از سوی کنفرانس محیط‌زیست بشر سازمان ملل متحد و پذیرش "اعلامیه ریو" در سال ۱۹۹۲ میلادی^۶ در کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل متحد راه تکامل خود را به سرعت طی نمود. امروزه نه تنها سازمان ملل بلکه دیگر سازمان‌های بین‌المللی با صلاحیت جهانی نیز قدم در راه توسعه و بهبود حفاظت از محیط‌زیست نهاده‌اند. (طلایی، ۱۳۸۹: ۳)

۳. تبیین منفعت اساسی

منفعت اساسی از مفاهیم چند وجهی و جدلی در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی است. اهمیت منفعت اساسی تا جایی است که توانسته تلقی مکاتب فکری را از مفهوم دولت متحول کند. اما خلاء اساسی در این زمینه عدم تفحص پیرامون جایگاه و منزلت منفعت اساسی در معاهدات سرمایه‌گذاری و قانون اساسی کشورهاست. (منصوریان و شیبانی، ۱۳۹۵: ۱۱۷)

"نفع" در معنای ذاتی خود به عنوان محرک اصلی رفتار انسانها، مفهومی اساسی در انسان‌شناسی به شمار می‌رود و از این نظر در بسیاری از اندیشه‌های نوین سرمایه‌گذاری خارجی، متجلی شده است. (Heilborn, 2015. 386) "اساسی" واژه‌ای گسترده و نسبی است و به اعتبار

^۱ - African Convention of the Conservation of Nature and Resources, Algiers, 1968

^۲ - Declaration of principles of Air Pollution Control, 1968

^۳ - European Water Charter, 1968

^۴ - European Agreement on the Restriction of the Use of Certain Detergents in Washing and Cleaning Products, Strasbourg, 1968

^۵ - United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm, 1972

^۶ - Rio Declaration on Environment and Development, 1992

زمان و مکان تغییر می‌کند که در قدیم الایام در مواقع جنگ به آن استناد می‌شد. (منصوریان و شیبانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

گذر زمان نشان داده است که التزام دولت‌ها ممکن است در شرایطی با حفاظت از منافع اساسی دولت میزبان قابل جمع نباشد؛ از این‌رو دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بایستی در توافقات سرمایه‌گذاری بین‌المللی خویش این نکته را متذکر شوند که جایی که حفاظت از منافع اساسی کشورشان اقتضای عدم رعایت این حقوق را داشته باشد، آنها مجاز به انجام یا عدم انجام اقداماتی مغایر با تعهدات قراردادی خود خواهند بود. (Esty and Ivanva, 2017. 17)

دولت‌ها برای حفظ منفعت اساسی تدابیری اتخاذ می‌کنند؛ یکی از تدابیری که برای جلوگیری از ابهام منفعت اساسی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی وجود دارد، تنظیم متن معاهدات به صورتی است که پیش از بروز اختلاف و مطرح شدن اختلاف در مرجع حل اختلاف مقرر در معاهده است. باید توجه داشت که شیوه تدوین شرط منفعت اساسی تأثیر مستقیمی بر نحوه تفسیر حل اختلاف خواهد داشت. ناهماهنگی بین معنای معمول این شرط در معاهدات یا به عبارت دیگر عدم تطابق میان معنای معمول و معنای اصطلاحات در سیاق عبارت منجر به این خواهد شد که، شرط مزبور در اختلافات، هدف و تأثیر خود را به طور کامل از دست بدهد. این مسئله نشان می‌دهد که تدوین عبارات معاهدات به صورت نامطلوب به ارائه تفاسیر نامطلوب خواهد انجامید (Ayangbenvo and Babalola, 2017. 10)

مرحله بعد، دولت‌های متعاقد به هنگام انعقاد یک معاهده باید، در صورت پیش‌بینی منفعت اساسی در معاهدات خود این نکته اساسی را در نظر داشته باشند که چگونه رویکرد مراجع حل اختلاف و تفاسیر گوناگونی که از عناصر منفعت این شرط ممکن است داشته باشند، می‌تواند به اثر بخشی به آنچه طرفین یک معاهده از آن ارائه کرده‌اند یا برعکس بی‌اثر ساختن این راهکار و عاری ساختن آن از هرگونه فایده عملی منجر شود، در نتیجه دولت‌های متعاقد خواستار گنجاندن این شرط، باید تلاش کنند تا حد امکان ابهامات احتمالی را که در تفسیر این شرط ممکن است پدید آید پیش‌بینی کرده و شرط مزبور را به گونه‌ای تنظیم کنند که شانس بیشتری برای مورد پذیرش قرار گرفتن در مرحله حل اختلاف داشته باشد. (Vandeveer, 2017. 14)

پس مفهوم منافع اساسی از مفهوم سنتی خود در این توافقات یعنی حفظ منافع اساسی در شرایط ویژه جنگ و مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی فاصله گرفته و موارد بسیاری از

جمله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، حفاظت از محیط زیست، حقوق بشر و سلامت عمومی، نقض قانون اساسی و ... را، در خود جای داده است. (نیکبخت و انصاری، ۱۳۹۶: ۸۸) ماده ۲۵ سند کمیسیون حقوق بین‌الملل برای درک مفهوم "منافع اساسی"، در مقایسه با دفاع اضطرار^۱، مقرر می‌دارد که نقض تعهد بین‌المللی از سوی یک دولت، بایستی تنها راه برای حفظ منافع اساسی آن دولت در مقابل یک خطر جدی و قریب‌الوقوع باشد.^۲ مطابق تفسیرهای صورت گرفته از شرط فوق، منافع اساسی اصولاً قابل تعریف نبوده بلکه به تمامی شرایط پرونده بستگی دارد و از این‌رو نمی‌توان نسبت به آن پیش‌داوری نمود. با این وجود می‌توان گفت این مفهوم ناظر به منافع مهم و حیاتی از قبیل بقای سیاسی، اقتصادی، حفظ صلح داخلی، حفاظت از محیط‌زیست و ... می‌باشد. (ابراهیم گل، ۱۳۹۶: ۸۹) معنای منافع اساسی در شرط استثنای مورد نظر نیز از این معنا دور نیست. با این حال نگاهی به توافقات سرمایه‌گذاری بین‌المللی نشان می‌دهد که این توافقات عموماً منافع اساسی را به مسائل امنیتی محدود کرده‌اند برای نمونه از، منافع امنیتی اساسی^۳، نظم عمومی^۴، اخلاق حسنه^۵ نام برده‌اند. (نیکبخت و انصاری، ۱۳۹۵: ۴۳)

مذاقه در شروط مربوط به منافع اساسی دولت میزبان نشان می‌دهد که بعضاً این شروط با عباراتی تنظیم کرده‌اند که دلالت دارند بر این‌که دولتهای متعاقد مجاز خواهند بود که در کنار تعهدات خویش در معاهده، تدابیری که برای حفاظت از منافع امنیتی اساسی خویش ضروری می‌دانند، اتخاذ نمایند.^۶ (Canadian Model BIT, 2014. 12)

حال باید دید دولت میزبان سرمایه در تصمیم‌گیری خود اصل حسن نیت را رعایت خواهد کرد، منظور از چنین رویکردی آن است که دولت میزبان، خود منفعت خود را تشخیص می‌دهد که، آیا سرمایه‌گذاری صورت گرفته تهدیدی برای منافع اساسی این کشور محسوب

^۱ - زیرا دفاع اضطرار نیز در مواردی مطرح می‌شود که تعارضی آشتی‌ناپذیر میان منفعت اساسی از یک سو و تعهد بین‌المللی دولت استنادکننده به این دفاع از سوی دیگر باشد وجود داشته باشد.

^۲ - ماده ۲۵: "دولت نمی‌تواند برای توجیه متخلفانه بودن فعل مغایر تعهد بین‌المللی خویش به ضرورت استناد کند مگر آن که آن فعل (الف) تنها راه برای حفاظت از منافع اساسی دولت در برابر خطر جدی و قریب‌الوقوع باشد؛ و ..."

^۳ - Essential Security Interest

^۴ - Public Order

^۵ - Public Morals

^۶ - Article XVII of the BIT between the United States and Canada (2014); Article 10 of the BIT between BIT between Canada and the Hashemite Kingdom of Jordan.

می‌شود یا خیر، و در مرحله بعد، چنانچه تشخیص داد چنین تهدیدی وجود دارد در باب اقدام لازم برای مقابله با چنین تهدیدی تصمیم‌گیری خواهد نمود. نظر به اینکه در چنین فرضی، دولت میزبان امتیازی انحصاری برای ارزیابی سرمایه‌گذاری صورت گرفته به عنوان، تهدیدی برای منافع اساسی و چگونگی واکنش به آن را در اختیار دارد، بازبینی قضایی اقدامات اتخاذ شده توسط دولت میزبان از سوی مراجع حل و فصل اختلاف از جمله دیوان‌های داوری در چنین فرضی منع شده است. با این وجود نمی‌توان ادعا کرد چنین شرطی سپر کاملی در برابر رسیدگی قضایی فراهم کرده و طرفین قرارداد را به طور کامل از مسئولیت بین‌المللی معاف می‌سازد (Vandever, 2017, 14)، چرا که دولتها مطابق ماده ۲۶ کنوانسیون وین به اجرای با حسن نیت تعهدات متعهد شده‌اند. (کنوانسیون وین، ۱۹۹۶، ماده ۲۶) از این‌رو دیوان داوری در چنین مواردی همچنان صالح خواهد بود که ارزیابی نماید آیا دولت میزبان با حسن نیت عمل کرده است یا خیر. اگر چه ارزیابی عینی موضوع عملکرد با حسن نیت دولت کار آسانی نخواهد بود. (UNCTAD, 2014, 94)

در این راستا باید توجه داشت که خود صلاحدید بودن شرط استثنای مورد بحث، یک امر استثنایی است که نیازمند تصریح است. ایالات متحده آمریکا سابقاً و برای سال‌های طولانی بر این عقیده بود که شرط استثنای مزبور ذاتاً خود صلاحدید است و این موضوع نیازمند تصریح در متن معاهدات به صورتی که در بالا بدان اشاره شد، نمی‌باشد. با بروز اختلافات و رد این ادعا در پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه و نیز پرونده سکوه‌های نفتی، این کشور در استراتژی خود، بازنگری کرده و متن معاهدات را به گونه‌ای اصلاح نموده است که به خود صلاحدید بودن استثنا تصریح داشته باشد. (Vandeveld, 2016, 205) حال با توجه به منفعت اساسی دولت میزبان، ضرورت منفعت و تناسب اقدامات صورت گرفته توسط دولت میزبان را تحلیل بررسی می‌نمائیم.

۱.۳. تبیین اصل ضرورت

مطابق با رویه دولتها و رویه قضایی بین‌المللی اینکه یک دولت می‌تواند به ضرورت به عنوان عامل رافع وصف متخلفانه بودن عمل استناد کند یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تثبیت شده است. در پرونده Gabcikovo- Nagymaros، دیوان بین‌المللی دادگستری اینگونه حکم کرد که: "ضرورت، مبنایی است که در حقوق بین‌الملل عرفی به منظور زائل ساختن

وصف متخلفانه فعل مغایر با تعهد بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است.^۱ (Gabcikovo- Nagymaros, 1997. 36) این مطلب در ماده ۲۵ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسوولیت دولت‌ها آمده است.

به خوبی روشن است که برای استناد به حالت ضرورت ۴ شرط وجود دارد. اول اینکه عملی که یک تعهد مشخص بین‌المللی را نقض می‌کند باید برای حمایت از یک "منفعت ضروری" انجام شده باشد. دوم اینکه این منفعت ضروری در معرض "خطری جدی قریب‌الوقوع" باشد. سوم اینکه اقدامات مورد بحث باید "تنها راه" برای حمایت از آن منفعت ضروری باشد و چهارم اینکه اقدامات مورد بحث نباید به منفعت ضروری جامعه بین‌المللی در کل "به طور جدی صدمه بزند". بعلاوه مطابق با ماده ۲۷ مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسوولیت دولت، استناد به ماده ۲۵ لطمه‌ای به "مسأله گرامت برای هرگونه ضرر مادی ناشی از اقدام مورد بحث" نمی‌زند. (Gabcikovo- Nagymaros, 1997. 36) چندین پرونده داوری سرمایه‌گذاری اخیر به قاعده "حالت ضرورت" اشاره می‌کند. در این پرونده‌ها دیوان‌های بین‌المللی برخی از اتهامات این قاعده را شفاف کرده‌اند. اگر چه این شفاف‌سازیه‌ها همیشه با یکدیگر سازگار نیستند با این حال آنها به توسعه این قاعده در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند.

در خصوص معنای "منفعت ضروری" چند تن از گزارشگران ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل و بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی از این دیدگاه حمایت کرده‌اند که اصطلاح "منفعت ضروری" نباید به "منفعت وجود" محدود شود. گزارشگر ویژه روبرتو آگو^۲ اشاره می‌کند که "منفعت ضروری" شامل منافی می‌شود که به "موضوعات متفاوتی مثل اقتصاد، اکولوژی و دیگر موضوعات" مربوط می‌شود. گزارشگر ویژه دیگر کمیسیون حقوق بین‌الملل یعنی ژولیو باربوزا^۳ معتقد است که تهدید "منفعت ضروری" یک کشور در حقیقت "تهدیدی جدی علیه وجود یک دولت، علیه بقای سیاسی و اقتصادی آن دولت، علیه حفظ خدمات ضروری آن دولت و علیه حفظ صلح داخلی یا اکولوژی سرزمین آن دولت است". البته پیش‌نویس سال ۲۰۰۱ این اصطلاح را تعریف نکرده است. در پرونده LG \$ E v. Argentina خواهان این مطلب را تکرار

^۱ - همچنین دیوان در قضیه دیوار حائل تأیید کرد که حالت ضرورت در حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده است.

^۲ - Roberto Ago

^۳ - Julio Barboza

کرد که "منفعت ضروری" شامل "منافع اقتصادی" نمی‌شود. ولی دیوان قاطعانه این مطلب را اعلام کرد که "منفعت ضروری" نباید به منافی محدود شود که به "وجود" مربوط می‌شود و "منافع مالی، اقتصادی یا منافع مربوط به حمایت از دولت در برابر هرگونه خطری که به طور جدی به وضعیت داخلی یا خارجی او لطمه وارد می‌کند نیز به عنوان منافع ضروری تلقی می‌شوند". (LG \$ E v. Argentina, 2006.45)

در خصوص "تنها راه"، ماده ۲۵ پیش‌نویس ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد که اقدامات مورد بحث باید "تنها راه" حمایت از منفعت ضروری دولتهای مورد بحث باشد ولی اینکه "تنها راه" چگونه باید تعریف شود موضوعی بحث برانگیز است. در پرونده CMS v. Argentina دیوان بیان کرد که: "اینکه کدام یک از این سیاست‌های جایگزین بهتری خواهد بود تصمیمی است که خارج از قلمرو وظیفه دیوان است. وظیفه دیوان این است که تعیین کند آیا در اینجا تنها یک راه وجود داشته یا راه‌های متفاوتی وجود داشته و در نتیجه آیا شرط لازم برای رفع وصف متخلفانه برآورده شده است یا خیر؟" (CMS v. Argentina, 2005. 36)

در هر حال در پرونده LG \$ E v. Argentina دیوان بیان کرد که: "یک بسته بهبود اقتصادی تنها راه پاسخ در برابر بحران بوده است اگر چه ممکن است راه‌هایی برای تهیه یک برنامه بهبود اقتصادی وجود داشته باشد". پیدا کردن تفاوت‌های آشکار در شرح و توضیح "تنها راه" در این دو پرونده آسان است: در پرونده CMS v. Argentina دیوان "تنها راه" را از دیدگاه "یک اقدام" ویژه تعریف می‌کند (CMS v. Argentina, 2005.35) در حالی که در پرونده Argentina LG \$ E v. دیوان "تنها راه" را از دیدگاه "بسته‌ای از" اقدامات تعریف می‌کند که به طور واضح در بردارنده اقدامات مختلف می‌تواند باشد. (LG \$ E v. Argentina, 2006. 25)

۲.۳. تبیین اصل تناسب

اصل تناسب اصلی حق‌مدار است، و به عنوان بخشی از چارچوب بزرگ‌تری از هنجارهای الزام‌آور حقوقی یعنی اصول کلی حقوقی شناخته می‌شود. (مرادی برلیان، ۱۳۹۲: ۱۱) امروزه مفهوم تناسب در حقوق بین‌الملل برای محدود کردن اعمال تحریم علیه دیگر کشورها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اندیشه اقدام متناسب و ضروری را باید ذاتی هر اندیشه مرتبط با تنظیم روابط انسانی دانست. از آنجا که حقوق به تنظیم عقلانی رابطه هر انسان با دیگری مربوط می‌شود، عقل حکم می‌کند تا هر رابطه انسانی به صورت متناسب و ضروری تعریف

شود، تا این رابطه بتواند در طول زمان قابلیت بقای خود را حفظ کند. از این نظر، تناسب به معنای وجود گونه‌ای توازن در روابط بین فردی است و از این رهگذر، رابطه‌ای مستقیم با مفهوم عدالت پیدا می‌کند. از نگاه فلاسفه حقوق، عدالت، با تناسب یعنی هماهنگی واحدهای یک کل، ارتباط تنگاتنگ دارد. (ادیبی و حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۹۲)

۳.۳. مفهوم حقوقی اصل تناسب

در خصوص اصل تناسب، برداشتهای متعددی ارائه شده است: در دکترین حقوق بین‌الملل، سه رویکرد عمده در مورد این اصل به چشم می‌خورد که هر یک به نوعی می‌تواند برای شناخت موضوع در حقوق بین‌الملل عمومی راهگشا باشد:

الف) برخی تناسب را به نوعی تطابق میان ابزار و هدف معنا کرده‌اند. در این مورد است که برای رسیدن به تناسب، باید از ابزارهایی استفاده شود که مطابق با نتیجه مورد نظر باشد. در واقع، در اینجا مسئله مناسب بودن، توانایی و ایجاد اثر مطلوب مطرح می‌شود. بر اساس این نگاه اگر انطباق مذکور وجود نداشته باشد، باید عمل یاد شده را "خودسرانه" و "نامتناسب" توصیف کرد. (Herdegen, 1985: 691) تناسب از این حیث، تأکیدی بر ممنوعیت اعمال دلبخواهانه و خودسرانه‌ای است که یادآور اصل "ممنوعیت سوء استفاده از حق" است. در این مفهوم، اصل تناسب، مفهومی غایی به شمار می‌آید که با توسل به اصول تفسیر غایی می‌توان مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات مورد بحث را مشخص کرد. ب) عده‌ای دیگر اصل تناسب را به عنوان ضرورت تعریف کرده‌اند. در این حال برای تحقق تناسب، این مرجع باید احراز کند که اقداماتی که انجام شده است برای رسیدن به اهداف اساسی مورد نظر بوده یا خیر. از این نگاه می‌توان اصل تناسب را این طور تعریف کرد: تناسب بدان معناست که از میان ابزارهای متعدد برای رسیدن به این نتیجه، باید کم هزینه‌ترین ابزار را که کمترین آسیب را به موضوع برساند، انتخاب کرد. (ادیبی و حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۹۴) در این خصوص، در سال ۱۹۶۷ در پرونده توری کانیون^۱ (یک نفتکش لیبریایی)، دولت انگلیس برای جلوگیری از نشت نفت از این نفتکش که در سواحل این کشور به صخره برخورد کرده بود، آن را بمباران کرد. در آن زمان، اقدام دولت بریتانیا اینگونه توجیه شد که تمام اقدامات انجام شده به نتیجه نرسیده و لذا تنها اقدام ممکن، استفاده از بمباران هوایی برای جلوگیری از فاجعه زیست محیطی بود. کمیسیون

^۱ - Torrey Canyon

حقوق بین الملل به این قضیه به عنوان یک ضرورت استناد می کند. (ادیبی و حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۹۴) در نهایت؛ ج) اصل تناسب، وسیله ایجاد توازن است. این معنا از تناسب، عبارت است از رابطه معقول میان شدت نقض حقوق و پاسخی که باید به آن داده شود. (همان: ۱۹۵) دیوان در قضیه گابچیکو - ناگیماروس، به عدم تناسب اقدام متقابل اشاره می کند و خاطر نشان می سازد: "یکی از شرایط مهم آن است که آثار یک اقدام متقابل، متناسب با خسارت های به بار آمده باشد که در عین حال، حقوق موجود نیز مد نظر قرار گیرد". دیوان در اینجا به اصل برابری دولت های ساحلی رودخانه از رود اشاره می کند و نظریه "جامعه منافع" را مطرح می کند. از نظر دیوان، "چکسلواکی با در اختیار گرفتن یک جانبه منابع مشترک اقتصادی و محروم کردن مجارستان از منابع مشترک رود دانوب، به اصل تناسب که در حقوق بین الملل، لازم الاجراست، توجهی نکرده است" (Gabcikovo-Nagymaros, 1997.56) نکته مهم در این خصوص این است که معیار دیوان برای اندازه گیری اصل تناسب در منابع اقتصادی مشترک است. همواره باید به اصل استفاده برابر در منابع مشترک اقتصادی توجه شود. (Gabcik-ovo-Nagymaros, 1997.85) از نظر دیوان، زمانی اقدام چکسلواکی می توانست مشروع باشد که میان اقدام انجام گرفته و هدف مشروع، رابطه منطقی و قابل دفاعی وجود داشته باشد و حال آنکه به دلیل نبودن چنین رابطه منطقی، دیوان از متناسب بودن اقدام این کشور، سخن به میان آورده است. (Ibid)

۴. رویه قضایی

۱.۴. قضیه اینسی سا^۱

شرکت (فرانسوی) "اینسی سا" (Inceysa)، و وزارت محیط زیست و منابع طبیعی در السالوادر، برای ایجاد و اداره یک مرکز معاینه فنی خودرو به عنوان برنده مناقصه سرمایه گذاری نمود. پس از چندی دولت از ادامه کار شرکت پیشگیری می کند، و شرکت ادعای نقض قرارداد توسط وزارت محیط زیست و مصادره غیر مستقیم سرمایه گذار نمود. (Inceysa, 2016.44) در مقابل، السالوادر استدلال معتقد بود که به دلیل عدم رعایت برخی از شرایط مناقصه توسط شرکت "اینسی سا"، رضایت السالوادر به پذیرش دآوری ایکسید مخدوش است. تخلفات مورد ادعای السالوادر در خصوص نقض شرایط مناقصه شامل مواردی همچون اغراق در

¹ - Inceysa

خصوص وضعیت مالی شرکت، فریب دادن وزارت محیط زیست از طریق معرفی یک شرکت که دارای تشابه اسمی یا یک شرکت دولتی با سابقه اسپانیایی بود به عنوان شریک راهبردی پروژه در اسناد مناقصه و نقض موازین حقوق رقابت به دلیل سکوت در خصوص ارتباط میان شرکت "اینسی‌سا" و یکی دیگر از شرکت‌های شرکت کننده در مناقصه بود. در پرتو موارد نقض مذکور، و با استناد به این امر که معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بر "لزوم مطابقت سرمایه - گذاری با قوانین السالوادور" به عنوان کشور پذیرنده تصریح نموده، السالوادور چنین استدلال می‌کرد که رضایت این کشور به داوری ایکسید تنها شامل اختلافاتی می‌گردد که از "سرمایه - گذاری‌های قانونی"^۱ ناشی شده باشند. در واقع، با در نظر داشتن این امر که تنها "سرمایه - گذاری‌های مشروع"^۲ مشمول مفهوم سرمایه‌گذاری قابل حمایت به موجب معاهده سرمایه - گذاری هستند؛ پس مخالف با منافع اساسی دولت میزبان است. (Ibid)

به نظر می‌رسد که غیر قانونی بودن سرمایه‌گذاری موجب نقض اصل حسن نیت و همچنین نقض نظم عمومی بین‌المللی می‌گردد. موارد دیگری همچون اصل منع دارا شدن غیر عادلانه نیز باید بررسی شود. در خصوص اثر نقض اصل حسن نیت، رضایت السالوادور به پذیرش داوری ایکسید مبتنی بر فرض رفتار توأم با حسن نیت از ناحیه سرمایه‌گذاران آتی است. از این رو، نقض شرایط مناقصه و توسل به تدلیس از سوی خواهان منجر به زوال پیش فرض مزبور شده و رضایت خواننده را زائل می‌سازد.

۲.۴. قضیه متانکس^۳ علیه ایالات متحده آمریکا^۴

شرکت متانکس (Methanex) یک شرکت کانادایی تولیدکننده متانول است این ماده، از مواد تجزیه ناپذیر گازوئیل به نام ام‌تی‌بی‌ای^۵ (MTBE)، می‌باشد متانکس تولیدکننده ام‌تی‌بی‌ای نبود ولی بخش اعظمی از متانول که تولید می‌نمود در ساخت ام‌تی‌بی‌ای به کار می‌رفت. این شرکت متانول را برای بازارهای آمریکایی تولید می‌نمود ولی ۴۷ درصد بازار در دست تولید کنندگان داخلی آمریکایی بود. (Methanex Corporation V.USA,2005.7)

¹ - Legal investment

² - Legitimate investments

³ - Methanex

⁴ - Methanex Corporation V.USA

⁵ - Methyl Tert – Butyl Ether

وقایعی که منجر به این اختلافات گردید از این قرار بود که بعد از مشکلاتی که توسط گروه-های محیط زیست ابراز گردید و در مطالعات کارشناسان هم بیان شد، ایالت کالیفرنیا استفاده از ام‌تی‌بی‌ای را به عنوان یکی از مواد افزودنی گازوئیل ممنوع نمود زیرا این مواد موجب آلوده شدن سطح آب‌های زمینی و زیرزمینی گردیده است. در مقابل، شرکت متانکس مدعی بود که این ایالات، این ممنوعیت را به دلایل سیاسی مربوط به شرکت رقیب که اتانول تولید می‌نمود و می‌توانست جایگزین متانول و ام‌تی‌بی‌ای باشد، این تصمیم را اتخاذ نموده است و این اقدام نقض فصل ۱۱ نفتا در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی است که سه تعهد را در بردارد: ۱. تعهد به رفتار ملی ماده ۱۱۰۲ نفتا که مقرر می‌دارد دول عضو نفتا باید نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی رفتاری مانند سرمایه‌گذاران داخلی که در شرایط با آنها می‌باشند اتخاذ نماید. ۲. تعهد به اعمال حداقل استاندارد بین‌المللی رفتار در حمایت از سرمایه‌گذاران از جمله رفتار منصفانه و عادلانه. ۳. تعهد به عدم اتخاذ اقداماتی که به مثابه مصادره بدون پرداخت غرامت تلقی می‌شود. (Methanex Corporation V.USA,2005.7)

بر اساس ماده ۱۱۰۲ نفتا سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، در اوضاع و احوال مشابه، نباید از رفتاری که از مطلوبیت کمتری برخوردار است بهره‌مند گردد. در این قضیه ایالت کالیفرنیا استفاده از مواد گازوئیلی تحت عنوان ام‌تی‌بی‌ای را در قلمرو خویش به دلیل سمی بودن ممنوع نمود و آن را با منافع بنیادین و اساسی و محیط‌زیست کشورش مغایر دانست. به دنبال مصوبه ایالت کالیفرنیا، شرکت کانادایی متانکس که در امریکا فعالیت داشت بیان کرد که: این مواد یکی از ترکیبات اصلی تولیدات او می‌باشد و چنین ممنوعیتی منجر به کاهش فاحش ارزش سرمایه‌گذاری او می‌شود و این اقدامات نقض ماده ۱۱۱۰ نفتا و سلب مالکیت غیرمستقیم تلقی می‌گردد. اما دیوان بیان داشت که: "وقتی چنین اقداماتی از صیغه تبعیض برخوردار نیست و در راستای اجرای اهداف عمومی و بعد از طی روند قانونی صورت پذیرفته، سلب مالکیت تلقی نمی‌شود." (Methanex Corporation V.USA,2005.8)

به نظر می‌رسد در این قضیه دیوان، اعمال مفاهیم حقوق تجارت در خصوص "کالای مشابه" را در تعهدات حقوق سرمایه‌گذاری رد کرده و متانکس را نمی‌توان با تولیدکنندگان مواد افزودنی گازوئیل مقایسه کرد و تنها می‌توان آن را در مقایسه با تولیدکنندگان آمریکایی که متانول تولید می‌کنند قرار داد. در اینجا رفتار ایالت کالیفرنیا با متانکس دقیقاً مشابه با رفتار تولیدکنندگان آمریکایی متانول است، زیرا تاثیر متانول و اتانول از نظر ترکیب شیمیایی که بر محیط‌زیست

دارند متفاوت است. پس اقداماتی که بر اساس چنین اوضاعی اتخاذ می‌شود اعمال صحیح اختیارات حاکمیتی می‌باشد و سلب مالکیت تلقی نمی‌گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت که جایی که تعارض بین اقدامات زیست‌محیطی داخلی و ترتیبات سرمایه‌گذاری ایجاد گردد، اقدامات زیست‌محیطی داخلی غالب خواهد بود. البته اگر در خارج از چارچوب اختیارات قرار نگرفته باشد و همچنین به دنبال تعقیب اهداف عمومی و به صورت غیر تبعیض‌آمیز صورت گیرد و دولت میزبان هم تضمین خاصی در خصوص منع چنین اقداماتی را ارائه نکرده باشد. پس می‌توان گفت که شرکت متانکس به یک اقتصاد سیاسی وارد شده که در آن به طور ضمنی پذیرفته شده است که نهادهای دولتی حمایت‌کننده از بهداشت و محیط‌زیست به طور مستمر، استفاده و تاثیر ترکیبات شیمیایی را بررسی و به طور منظم کاربرد برخی از آنها را به دلایل بهداشتی و زیست‌محیطی ممنوع یا محدود می‌کنند؛ همچنین، شرکت خواهان به هنگام ورود به این بازار کاملاً از این پروسه آگاهی داشته است و با اینکه هیچ تعهدی در خصوص عدم پیش‌بینی تدابیر قانونگذاری محدودکننده فعالیت این شرکت پذیرفته نشد، شرکت مزبور اقدام به سرمایه‌گذاری کرد.

۳.۴. تکمد علیه مکزیک^۱

شرکت آمریکایی تکمد در مکزیک مجوز مربوط به عملیات بازیافت پسماندهای خطرناک که دائمی و بی‌قید و شرط بود را اخذ می‌کند. بعد از مدتی تبدیل به یک مجوز مدت‌دار شد. ولی زمانی که مقامات مربوطه خواستند آن را مجدداً تمدید نمایند مردم بومی آن منطقه نسبت بدان اعتراضات گسترده‌ای نمودند و در نتیجه مقامات صلاحیتدار تصمیم به لغو آن گرفتند. دیوان معتقد بود که رفتار دولت میزبان شرایط حقوقی اولیه ارزیابی شده سرمایه‌گذار را، پیرامون سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی فعالیت تجاری و ارزیابی او در محافظت از حقوقش لطمه زده است در نتیجه انتظارات منطقی سرمایه‌گذار، در اثر رفتارهای متناقض و متغیر مکزیک بی‌نتیجه مانده است. در این قضیه دیوان ادعای دولت مکزیک در خصوص حفاظت از محیط‌زیست را رد نمود و آن را مصادره غیرمستقیم، در نتیجه پرداخت غرامت را، لازم و ضروری دانست. (Tecmed v. Mexico, 2003.151)

از آنجا که، سرمایه‌گذاران پیش از شروع به سرمایه‌گذاری، قوانین و مقررات دولت میزبان را مورد بررسی قرار می‌دهند، دولت‌های میزبان باید آگاه باشند که قوانین و مقررات زمان

¹ - Tecmed V. Mexico

سرمایه‌گذاری، مبنای انتظارات مشروع سرمایه‌گذار تلقی خواهد شد. با توجه به این مباحث باید قائل بر آن بود که اگر چه اصل حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار در قالب رفتار عادلانه و منصفانه قرار دارد، اما اجرای آن با توجه به قوانین ملی حین انجام سرمایه‌گذاری، صورت می‌گیرد. پس اصل انتظارات مشروع مبنایی عینی داشته و اجرای آن بسته به انتظارات و توقعاتی است که به وسیله قوانین محلی با اوصافی که در زمان انجام سرمایه‌گذاری وجود داشته ایجاد شده است و حتی در صورت عدم پیش‌بینی "رفتار منصفانه و عادلانه" در معاهده، باز هم وجود شفافیت در نظام حقوقی دولت میزبان و حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار باید رعایت گردد.

۴.۴. قضیه ام تی دی علیه شیلی^۱

شرکت ام تی دی اندونزی، قراردادی را با کمیسیون سرمایه‌گذاری خارجی کشور شیلی امضا نمود که در آن عدم مطابقت پروژه با مقررات محلی کاملاً روشن بود و خواهان هم از آن اطلاع داشت ولی در مقابل، دولت میزبان تضمینات خاصی را به خواهان اعطا کرده بود و بر اساس این تضمین وجود ریسک و خطر بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان تقسیم شده بود. در این قضیه فقدان همکاری و یا تطابق بین فعالیت‌هایی است که به دولت قابل انتساب می‌باشد مطرح بود. خواهان مدعی بود که با عدم صدور مجوز توسط دولت میزبان و ناکام ماندن تلاش‌های خواهان برای دریافت مجوز مجدد، بخشی از ارزش سرمایه‌اش را از دست داده است و دیگر قادر به ادامه پروژه نمی‌باشد. (MTD v. Chila, 2004. 45)

همانگونه که ملاحظه می‌شود مالک مدعی است که از بخشی از سرمایه‌اش محروم شده و مدعی محرومیت از اموالش است، اما در مصادره، مالک باید از کل سرمایه و به صورت اساسی و بنیادی محروم شود. همچنین پاک دستی خواهان نیز یکی از مواردی است که باید مد نظر داشت. یعنی خواهان با علم و آگاهی و اطلاع به عدم مطابقت پروژه با مقررات محلی اقدام به سرمایه‌گذاری کرده است و باید ریسک این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها را نیز بپذیرد، و از یک سرمایه‌گذار معقول انتظار می‌رود که هنگام محاسبه خطرات تجاری، به این مسائل هم توجه کافی را داشته باشد. از طرفی دیگر مداخله نهادهای زیست محیطی به تنهایی باعث محرومیت اساسی از سرمایه‌اش نشده است که بتوان مالک را از سرمایه‌اش محروم شده تلقی نمود.

^۱ - MTD v. Chila

۵.۴. قضیه اس دی مایرز علیه کانادا^۱

شرکت اس دی مایرز یک شرکت آمریکایی و در کانادا فعالیت داشت. مواد پی سی بی^۲ را جمع‌آوری می‌کرد و به ایالت اوهایو منتقل می‌نمود. پس از چندی، دولت کانادا، صادرات مواد شیمیایی پی سی بی را به دلیل خطراتی که بر محیط زیست و سلامت بشر دارد ممنوع نمود. به دنبال این ممنوعیت، فعالیت‌های این شرکت در کانادا متوقف شد. سپس خواهان دعوایی را در داوری مطرح نمود و بیان داشت که اقدامات کانادا با هدف حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی صورت گرفته و این مصداقی از تبعیض علیه سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد (S.D.My- (ers V.Canada, 2000. 221) و دولت کانادا ماده ۱۱۰۲ نفتا در خصوص رفتار ملی را نقض کرده است و مصداق مصادره است. در مقابل، کانادا ابراز داشت که این اقدام بر اساس دلایل زیست‌محیطی صورت گرفته است زیرا این مواد خطری جدی برای محیط‌زیست یا سلامت انسان محسوب می‌شود که بایستی ممنوع گردد و چنین ممنوعیتی در کنوانسیون باسل ۱۹۸۹ در خصوص کنترل جابجایی فرامرزی پسماندهای خطرناک نیز مقرر گردیده است. (Basel Convention, 1989, Art: 4(2)(d) دیوان پس از بررسی‌های لازم ابراز داشت که در این قضیه دلایل زیست‌محیطی وجود ندارد، زیرا حمل و نقل این مواد مشکل خاصی را ایجاد نمی‌نماید. بنابراین این اقدامات کانادا با هدف حمایت از صنایع داخلی انجام گرفته است. سپس دیوان به تفسیر مواد نفتا پرداخت و در این تفسیر اشاره‌ای به موافقت نامه‌های بین‌المللی دیگر و تعهد دول عضو به ایجاد حداکثر حفاظت از محیط‌زیست داشت که این قسمت از حکم از جهت توجه به موضوعات زیست‌محیطی در معاهدات سرمایه‌گذاری از اهمیت زیادی برخوردار است. مساله نقض ماده ۱۱۰۲ نفتا در خصوص رفتار ملی هم در قسمت پایانی حکم مورد توجه دیوان قرار گرفت و دیوان اظهار داشت که تفسیر عبارت "اوضاع و احوال مشابه" در ماده ۱۱۰۲ باید با توجه به اصول کلی که از چارچوب حقوقی نفتا برآمده است انجام پذیرد. یعنی هم به مسائل زیست‌محیطی توجه شود و هم از ممنوعیت‌های تجاری که به دلیل مشکلات زیست‌محیطی قابل توجه نیستند احتراز شود. در ارزیابی اوضاع و احوال مشابه همچنین باید اوضاع و احوالی که به توجیه اقدامات دولتی که در جهت منافع ملی اتخاذ شده است می‌پردازد هم مدنظر قرار گیرد. (S.D.Myers Inc V.Canada, 2000.250) سپس دیوان بیان

^۱ - S.D.Myers Inc V.Canada

^۲ - P.C.B

داشت که حفاظت از محیط زیست در برابر PCB، مطابق با اهداف کنوانسیون باسل می باشد. اما برای کانادا، راه های دیگری وجود داشت که به اهداف خود دست یابد. در این قضیه، دیوان معتقد بود که در صورت تعارض بین معاهدات زیست محیطی و تعهدات نفتا، صراحتاً اولویت را بر معاهدات بین المللی زیست محیطی قرار داده است. (NAFTA, 1992, Art (04))

به نظر می رسد جایی که یک دولت می تواند حفاظت از محیط زیست را از طریق ابزارهای معقولانه و موثر دیگری ایجاد نماید، آن دولت متعهد است که جایگزینی انتخاب نماید که بیشترین هماهنگی را با تجارت آزاد داشته باشد؛ و وقتی راه های جایگزینی وجود داشته و مورد استفاده قرار نگرفته است، آن اقدامات نقض رفتار ملی تلقی خواهد شد و منفعت اساسی محسوب نمی شود.

۶.۴ قضیه Chemtura علیه کانادا^۱

این شرکت در کانادا پس از طی تمام مراحل داخلی مجوز لازم را برای تولید و تجارت آفت کش هایی که مواد اصلی آن لیندن (Lindane) بود، اخذ می کند پس از شروع به فعالیت ارگان های زیست محیطی کانادا ابتدا فعالیت شرکت را به حالت تعلیق و سپس لغو می کند تا شرکت دست به اصلاحات زده و شروع به فعالیت کند در این قضیه، خواهان مدعی بود که تعلیق مجوز او در خصوص تولید و تجارت آفت کش هایی که مواد اصلی آن Lindane بود، توسط ارگان های زیست محیطی کانادا، بر اساس ماده ۱۱۱۰ نفتا سلب مالکیت غیر مستقیم می باشد. (NAFTA, Article, 1110) دیوان این ادعا را رد نمود و اظهار داشت که اقدامات زیست محیطی که به صورت هدفمند اتخاذ شده است لزوماً سلب مالکیت تلقی نمی گردد زیرا اولاً اقدامات صورت گرفته موجب محرومیت سرمایه گذار از ارزش سرمایه گذاری او سلب گردیده است و علاوه بر این، سرمایه گذار نیز مدعی نمی باشد که تمامی سرمایه گذاری او سلب گردیده بلکه فقط بخش کوچکی از آن که با مواد سمی Lindane تولید می گردد با کاهش ارزش مواجه شده است. دیوان بر این نظر بود که براساس اوضاع و احوال این قضیه، هیچ گونه محرومیتی به صورت بنیادی ایجاد نشده است. (Chemtura, 2010, 249)

مداقه در این رای این احتمال را تقویت می کند که، از نظر دیوان اقداماتی که توسط خواهان به چالش کشیده شده است اعمال صحیح اختیارات حاکمیتی توسط دولت میزبان می باشد.

¹ - Chemtura Corporation V. Government of Canada

زیرا سازمان محیط‌زیست کانادا اقداماتی را به طور غیر تبعیض‌آمیز و با افزایش آگاهی از خطرات Lindane بر حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست اتخاذ نموده است. اقداماتی که بر اساس چنین اوضاعی اتخاذ می‌شود اعمال صحیح اختیارات حاکمیتی می‌باشد و سلب مالکیت تلقی نمی‌گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت که جایی که تعارض بین اقدامات زیست‌محیطی داخلی و ترتیبات سرمایه‌گذاری ایجاد گردد، اقدامات زیست‌محیطی داخلی غالب خواهد بود البته اگر در خارج از چارچوب اختیارات قرار نگرفته باشد و همچنین به دنبال تعقیب اهداف عمومی و به صورت غیر تبعیض‌آمیز صورت گیرد و دولت میزبان هم تضمین خاصی در خصوص منع چنین اقداماتی را ارائه نکرده باشد.

۵. نتیجه‌گیری

کشورهای سرمایه‌پذیر باید به ارزیابی خطرات زیست‌محیطی یا شرط تضمین حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یکی از شروط صدور مجوز برای آغاز به کار سرمایه‌گذاری خارجی با مذاقه بیشتری بنگرند. همچنین کشور میزبان می‌تواند در طی حضور سرمایه‌گذار خارجی، نظارت و کنترل‌هایی را بر وی اعمال کند. در این مرحله سخت‌گیری‌های کمتری صورت گرفته، زیرا لغو مجوزها ممکن است به سلب مالکیت از فرد خارجی تعبیر شده دولت را با تبعات زیادی مواجه سازد. استراتژی‌های اجراء، کسب اطمینان از هماهنگی با نهادهای اصلی مسئول اجراء و تامین یک پایگاه داده، شکلی از شیوه‌های این موارد است. این سازوکارها بسیاری از شکاف‌ها را پر می‌کند و به تدریج مسئولیت جدید یافته، رسالتش را گسترش می‌دهد.

دولتها در تلاش برای جمع بین دو هدف تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی از یک سو و حفاظت از منافع اساسی خویش از سوی دیگر که گاه در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند، تدابیری اندیشیده‌اند که عبارت است از درج شرط حفظ منافع اساسی دولت میزبان در توافقات سرمایه‌گذاری بین‌المللی. این معاهدات در تنظیم این مقرره شرایط سختی برای استناد به این استثناء در نظر نگرفته‌اند بلکه، عموماً به شرایطی نظیر غیرتبعیض‌آمیز بودن اقدامات صورت گرفته برای حفظ منافع اساسی اشاره کرده‌اند یا به شرط ضرورت اقدامات صورت گرفته بسنده نموده‌اند که در بسیاری موارد، این شروط، اختیار تشخیص این ضرورت را نیز به طور کامل به دولت میزبان واگذار کرده، مراجع حل و فصل اختلاف را از ارزیابی صحت استناد به این شرط باز می‌دارند. حمایت و پشتیبانی رویه قضایی از این روند و توجه آن به

موضوع منافع اساسی دولت میزبان به ویژه حمایت صورت گرفته در پاره‌ای از آراء داوری صادره در قضایای بحران اقتصادی کشورها از اعمال شروط منافع اساسی و نقش این مراجع در گسترش دایره مفهوم منافع اساسی به مواردی چون بحران اقتصادی، باعث ایجاد این نگرانی گردیده است که گسترش بیش از اندازه این استثناء، فلسفه وجودی معاهدات حمایت از سرمایه گذاری خارجی که برای جذب هر چه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی به وجود آورده‌اند را از بین خواهد برد؛ برای اجتناب از چنین نتایجی به مذاکره‌کنندگان این توافقات پیشنهاد می‌شود: اولاً؛ به جای استفاده از اصطلاحات مختلف برای ادای این منظور، در جریان مذاکرات، مقصود خویش را از این مفهوم به طرف مقابل اعلام کرده، حدود آن را روشن نمایند و در این راه از اصطلاحاتی بهره جویند که تا حد امکان اختلافی نباشد تا بدین طریق از تفسیر گسترده و خارج از پیش‌بینی این اصطلاحات توسط دولت استناد کننده به این شرط و نیز مراجع حل و فصل اختلاف جلوگیری به عمل آورند. ثانیاً؛ شرایط اعمال این شرط را به گونه‌ای دقیق در نظر گیرند تا مانع تبدیل این شرط به راهی برای گریز از تعهدات بین‌المللی نگردند. ثالثاً؛ جز در موارد لزوم شرط مزبور را به صورت ارزیابی براساس نظر دیگران تنظیم نمایند تا تشخیص صحت استناد به این شرط را از صلاحیت انحصاری دولت میزبان خارج نموده، این امر را به دیوان‌های داوری واگذار نمایند.

با توجه به اینکه منفعت اساسی کشور میزبان و محرومیت اساسی سرمایه‌گذار گستره شمول وسیع‌تری دارد، پس کنش جمعی ضروری و فوری است؛ ولی در عرصه محیط‌زیست در نتیجه ضعف شدید معماری سازمانی و فرایندهای تصمیم‌گیری رژیم موجود جهانی محیط-زیست مغفول مانده است. چندپارگی و شکاف‌های گوناگون، سازمان‌ها و نهادهای مختلف با مسئولیت‌های محیط‌زیست، و فقدان اطلاعات و شفافیت بسیار محدود به دامنه این مشکل افزوده است. ساختار سازمانی جدید، مبنای داده لازم برای تصمیم‌گیری محیط‌زیست خوب، توان بخشی ریسک، سود و هزینه و گزینه‌های بسیار، سازوکاری برای ارتقای سطح بخش خصوصی و منابع دولتی مورد استفاده در سطح بین‌الملل و ابزار بهبود و نتایج حاصل از سرمایه‌گذاری‌های محیط‌زیست و برنامه‌هایی در مقیاس جهانی را فراهم می‌کند.

واکنش‌های موفق به مشکلات جهانی محیط‌زیست به توافقات مربوط به تسهیم مسئولیت مالی بستگی دارند. کشورهای سرمایه‌پذیر نیازمند پشتیبانی، یارانه و سایر مشوق‌ها جهت پیشبرد درونی سازی تاثیر خارجی خود هستند. لذا در این ارتباط وجود مجمعی که بتواند

توافقات بین‌المللی در مورد محیط‌زیست را تسهیم کند، فوق‌العاده ارزشمند و راه‌گشاست. در حقیقت زمان آن فرا رسیده تا رژیم سرمایه‌گذار خارجی مسائل زیست‌محیطی را در راستای یک معماری جدید، آینده‌نگر و بهینه‌تر که بیشتر و بهتر در خدمت نیازهای محیط زیست، دولتی، عمومی و تجاری خواهد بود، باز مهندسی کنیم. معماری جدید جهانی در سرمایه‌گذاری خارجی توأم با مسائل زیست‌محیطی نیازی به رقابت با سایر اقدامات برای تقویت برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی و کنترل آلودگی در سطح ملی دارد و در واقع باید چنین اقداماتی را تقویت کند. موفقیت در عرصه محیط‌زیست به ساختار نظارت چند لایه‌ای که حامی اقدامات ملی، محلی و جهانی است، بستگی دارد. برای حل مسائل سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تضمین پیشرفت اقتصاد، جامعه جهانی قطعاً از وجود یک صدای واحد که مجمعی شناخته شده برای مقامات محلی در ارتباط با محیط‌زیست است منتفع خواهد شد. شایسته به نظر می‌رسد، باید محل حقوقی مناسب‌تری را برای تحمیل مسئولیت اجتماعی بر شرکت‌های فراملی تدبیر کرد. اجبار به قانون‌گذاری داخلی که از طریق روشهای مختلف همچون جلوگیری از آلودگی، تشویق به افزایش رقابت بین کشورهای میزبان سرمایه‌گذار برای التزام به مقررات زیست‌محیطی از جمله تدابیر است.

منابع فارسی

کتاب

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۶)، کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد. چاپ سوم، تهران، شهر دانش
- پیران، حسین (۱۳۹۶)، مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، چاپ سوم، تهران، گنج دانش
- طلایی، فرهاد (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل
- عسکری، پوریا (۱۳۹۶)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه‌دآوری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، شهر دانش
- محسن‌پور، سمیرا (۱۳۹۵)، سرمایه‌گذاری خارجی و حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد
- هدایتی، وحید (۱۳۹۵)، تعامل داوری سرمایه‌گذاری خارجی با حقوق عمومی لزوم رعایت منافع عمومی ملی و اصل تناسب، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی

مقالات

- آرامش شهبازی، پویا برلیان (۱۳۹۷)، زیست فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط-زیست، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۱، بهار
- اکبر ادیبی، همایون حبیبی (۱۳۹۶)، اصل تناسب در اتخاذ تحریم‌های اقتصادی، مجله حقوقی بین‌المللی، بهار و تابستان
- حمیدرضا نیکبخت، نگین انصاری (۱۳۹۵)، حفظ منافع اساسی دولت میزبان در توافقات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶
- سمیه‌سادات میری لواسانی، حاتم صادقی‌زیازی و فاطمه حسن‌پور (۱۳۹۷)، تعهدات زیست-محیطی سرمایه‌گذاران خارجی، دانش حقوق و مالیه، سال اول، شماره ۳، بهار
- ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۶)، جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۲، بهار
- طلایی، فرهاد (۱۳۸۴)، رعایت اصول حقوقی حفاظت از محیط‌زیست در توسعه شهری، کارگاه آموزشی شهرسازی و معماری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، شیراز، شماره ۱۴

- فرهاد طلائی، احسان دریادل (۱۳۹۴)، بررسی چالش‌های تالاب انزلی و راهکارهای رفع آن در چارچوب کنوانسیون رامسر، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۲، تابستان
- فرهاد طلائی، الهام حیدری (۱۳۹۳)، تعهدات و مسئولیت دولتها در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در برابر پسماندها با تاکید بر پسماندهای خطرناک، فصلنامه پژوهش و حقوق عمومی، سال ۱۶، شماره ۴۵، زمستان
- مشهدی، علی (۱۳۹۵)، دولت و محیط‌زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۸، زمستان
- منصوریان، عادل شیبانی (۱۳۹۵)، مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانونگذاری ایران، دو فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی شماره ۷۶-۷۵، پاییز و زمستان

English Resources

Book

- Ayangbenro, Segun, & O laranti, Babalalo, Olubukola (2017). **A New Strategy for Polaluted Environmentals**. Faculty of Agricultrue. Science & technology North-West university, International of Environmental Research and Public Health
- Dolzer, Rudolf and Schreuer, Christoph (2016), **Principles of International Investment Law**, Oxford: Oxford University Press
- Daniel Esty, & Maria Ivanova, (2016), **Revitalizing Global Environmental governance: A Function Driven Approach**, Yale University: Yale center for Environmental law policy- Gildemeiste Arno E. (2014), **How Much is Too Much: When is Taxation Tantamount to Expropriation**, ICSID Rev, vol 2
- UNCTAD (2015), **Bilateral Investment Treaties 1995-2015: Trends in Investment Rulemaking**, New York and Geneva, United Nations publication
- Vandavelde, Kenneth J (2016), **US International Investment Agreements**, Oxford, Oxford University

Articles

- Heilborn, Johan (2015), Interest: History of the Concept, International Encyclopedia of Social & Behavioral Sciences, 2nd edition, Volume 12
- Henckels Caroline (2016), **Indirect Expropriation and the Right to Regulate: Revisiting Proportionality Analysis and the Standard of Review in Investor-State Arbitration**, Journal of World Energy Law and Business, vol. 9
- Neill Vandever, Stacy Kate (2017), **Global Environmental Politics**, No 2, vol 17
- Paulsson, Jan (2014), **Indirect expropriation: is the right to regulate at Risk?** (12 December 2005), Journal of International Economic Law, vol. 17

- Reinhold, Steven (2013), **Good Faith in International Law**, Bonn Research Papers on Public International Law, No.2
- Vinuales Jorge E (2008), **The Contribution of the International Court of Justice to the Development of International Environmental Law: A Contemporary Assessment**, No. 32, Fordham Int'l L.J

Site

- Inceysa Vallisoletana, S.L. v. Republic of El Salvador (2016). ICSID Case No. ARB/03/26, Award, August 2
- Levy Renee Rose and Grencitel S.A v. Republic of Peru (2015). ICSID Case No. ARB/11/17, Award, January 9
- OECD,(2007), Essential Security Interests under International Investment Law.OECD Publishing,99. available at :<http://www.oecd.org/dataoecd/59/50/40243411>. Pdf

Document

- Basel Convention on the Control of Transboundary Movement of Hazardous Wastes and their Disposal, Basel, 1989
- Chemtura Corporation V.Government of Canada,(2010), UNCITRAL Award 2 August
- ConocoPhillips Company v The Bolivarian Republic of Venezuela (2013), ARB/07/30 (International Centre for Settlement of Investment Disputes), Decision on Jurisdiction and Merits
- Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and other Matter, London,1972
- Methanex Corpration V. USA, (2005). UNCITRAL, Arbitration Rules, Final Award of 3 August
- Mobil Corporation, Venezuela Holdings, BV, Mobil Cerro Negro Holding, Ltd, Mobil Venezolana De Petroleos Holdings,Inc, Mobil Cerro Negro,Ltd, and Mobil Venezolana De Petroleos, Inc v Bolivarian Republic of Venezuela, (2014) , ICSID Award, ARB/07/27, Award at 97
- MTD Equity Sdn Bhd and MTD Chile SA V.Republic of Chila (2004). ICSID, Case NO. ARB/01/7, Award
- North American Free Trade Agreement, 17 December 1992
- OECD, “International Investment Agreements: A survey of Environmental, Labour and Anti-corruption Issues” (2008) International Investment Law: Understanding Concepts And Tracking Innovations
- Richard, Sandbroke (2002), FDI and Environment Lessons from the Mining Sector, Rapporteurs report from the OECD Global Forum on International Investment Conference,OECD,"Indirect Expropriation”And The “Right To Regulate” (2004), In International Investment Law

- Ramsar Convention Secretariat (2013), The Ramsar Convention Manual: a Guide to the Convention on Wetlands, 6th Editions, Ramsar Convention Secretariat, Gland, Switzerland, 2013
- Rio Declaration on Environment and Development, 1992
- S.D. Myers Inc V. Canada (2000), UNCITRAL, Partial Award of 11 November
- Stephens, Tim (2009), International Courts and Environmental Protection, Cambridge Press
- Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants, Stockholm, 2001
- Tecnicas Medioambientales Tecmed SA V. United Mexican State. (2003), IC-SID Case No. ARB(AF)/00/2
- The Agreement Between the Government of Canada and the Government of the United States of America Concerning the Trans Boundary Movement of Hazardous Waste, Signed Ottawa, 28 October 1986
- UNCTAD (2014), Admission and Establishment, New York and Geneva, United Nations publication
- United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm, 1972
- Vienna Convention on the Law of Treaties (VCLT) signed (1969), entered into force 1980